

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی هفتم دوره اول متوسطه

نام دبیر: سید علی حسینی

دبیرستان ابوریحان دوره اول

درس ۵

ali1351.blogfa.com  
ali135106.loxblog.com  
[ali.h\\_a35@yahoo.com](mailto:ali.h_a35@yahoo.com)  
ali135106@gmail.com  
09102060636



# الذرسُ الخامسُ



أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

كجا رفتی؟ به بازار رفتم.

## الدَّرْسُ الْخَامِسُ

### المُعْجَم: واژه‌نامه

أَخَذَ: گرفت، برداشت	ذَهَبَ: رفت	عِبَاةٌ: چادر	مَلَكَتْ: بست، تو «مؤنث»
اشْتَرَى: خرید	ذَهَبْتُ رَفَمَ	عَلِمَ: پرچم	ضِدَيْلَكَ: دوست
اشْتَرَيْتَ: خریدم	ذَهَبْتُ رَفَمَ «مذکر»	غَسَلْتُ شُست	لَكِنَّ: ولی
اشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر»	ذَهَبْتُ رَفَمَ «مؤنث»	فُستَان: پیراهن زنانه	إِلهَادًا: چراغ برای چه
اشْتَرَيْتَ: خریدی «مؤنث»	رِسَالَةٌ: نامه	قَرَأَ: خواند	مَبْرُوكٌ: مبارک
أَصْدِقَانِي: دوستانم «مذکر»	رَفَعَهُ: بالا برد، برداشت	قَرَأْتُ: خواندی «مذکر»	مَلَابِسٌ: لباس‌ها
أَكَلُ: خورد	بِرِزْوَالٍ: شلوار	قَرَأْتُ: خواندم	وَحَدَاةٌ: تو به تنهایی «مذکر»
أَمٌّ: یا	سُوقٌ: بازار	قَمِيصٌ: پیراهن	وَحَدَاةٌ: تو به تنهایی «مؤنث»
نَفَاحٌ: تَفَاحَةٌ: سیب	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکریم	كَانَتْ: کانت؛ بود	
ذَكَرَ: یاد کرد	ضِدَيْلَانِي: دوستانم «مؤنث»	لَا فَرْقَ: فرقی نیست	

### في السوقِ در بازار



کجا رفتی ای مادرحمید؟

آیا چیزی خریدی؟

آیا توبه تنهایی رفتی؟

قیمت لباسها چگونه بود؛  
ارزان یا گران؟

پس برای چه خریدی؟

چه چیزی خریدی؟

- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمُّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- أَمْ ذَهَبْتَ وَحَدَاةً؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- كَمَا هَادًا اشْتَرَيْتِ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

به بازار نجف رفتم.

بله؛ لباسهای زنانه خریدم.

نه، با دوستانم رفتم.

مثل ایران؛ فرقی نیست اما خریدم.

برای هدیه خریدم.

پیراهن زنانه و چادر

- ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النِّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنَّ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُستَانًا وَ عِبَاةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

بسیار متشکریم؛ به سلامت.

مبارک؛ لباسهای زیبایی است. در امان خدا.



کجا رفتی ای پدرحمید؟

آیا چیزی خریدی؟

آیا توبه تنهایی رفتی؟

قیمت لباسها چگونه بود؛ ارزان یا گران؟

پس برای چه خریدی؟

چه چیزی خریدی؟

مبارک؛ لباسهای زیبایی است. در امان خدا.

- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟

- هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟

- أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟

- كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلْبَسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

- قَلِيمًا أَمْ اشْتَرَيْتَ؟

- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟

- مَبْرُوكٌ؛ مَلْبَسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

فعل ماضی (۱)

به بازار نجف رفتم.

بله؛ لباسهای مردانه خریدم.

نه، با دوستانم رفتم.

مثل ایران؛ فرقی نیست اما خریدم.

برای هدیه خریدم.

پیراهن مردانه و شلوار

بسیار متشکرم؛ به سلامت.

- ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجْفِ.

- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلْبَسَ رِجَالٍ.

- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.

- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

- اشْتَرَيْتُ لِلْهِدِيَّةِ.

- قَمِيصًا وَسِرْوَالًا.

- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



چه چیزی خواندی؟

ماذا قرأت؟

شعر خواندم.

قرأت أشعارًا.



چه چیزی خوردی؟

ماذا أكلت؟

سیب خوردم.

أكلت تفاحة.

بدانیم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. مانند: «رفتم: دَهَبْتُ». از درس پنجم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می شوید. به جمله های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

بسیار مهم

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ.	 
		أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	درس ۶	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	



أَنَا رَفَعْتُ عَلَّمَ إِيْرَان.



أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.

من نامه ای به دوستم نوشتم. من پرچم ایران را بالا بردم.



أنتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.

تو کتاب علمی خواندی.



أنت أخذت كتاباً مفيداً.

تو کتاب مفیدی برداشتی.

### التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أَتَيْتِ الْمُسَافِرُ أَذْهَبَتْ إِلَى الْمُنْدُقِ؟ - لَا؛ ذَهَبَتْ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر آیا به هتل رفتی؟ نه؛ به بازار رفتم.

۲. مَاذَا عَسَلْتِ؟ - عَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُشْرَتِي.

چه چیزی شستی؟ لباسایم و لباسهای خانواده ام را شستم.

۳. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا خریدی؟ از آنجا خریدمش.

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ پیراهن زنانه و چادر خریدم.

أنا	تُ
أنتَ	تَ
أنتِ	تِ

التَّمْرِينُ الثَّانِي: كزینة درست را انتخاب کنید.

۱. أنا ..... مَلایِسی.  عَسَلْتُ  عَسَلْتُ
۲. أَنْتَ ..... اَلْعَلَمُ؟  رَفَعْتُ  رَفَعْتُ
۳. أَنْتِ ..... صَدِيقَتِكَ.  دَكَّرْتُ  دَكَّرْتُ
۴. أَنْتَ ..... هَدَيْتَكَ؟  أَخَذْتُ  أَخَذْتُ
۵. كَمِ ثِقَاةً أَكَلْتُ؟ ..... تَفَاخَيْتِ.  أَكَلْتُ  أَكَلْتُ

تو چند سیب خوردی؟ ۲ سیب خوردم.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

دَكَّرْتُ - أَرْضُ - عَسَلْتُ - تَفَاحٌ - رَفَعْتُ - جَدَّةٌ - قَمِيصٌ - عِبَاءَةٌ - رَخِيصٌ - رِسَالَةٌ - أَكَلْتُ -  
طَلَّابٌ - أَفْئَانٌ

۱. دانشجویان ۲. دو هزار ۳. چادر ۴. نامه ۵. شُستی ۶. بالا بردم ۷. خوردم ۸. پیراهن
۹. سیب ۱۰. یاد کردم ۱۱. ارزان ۱۲. زمین ۱۳. مادر بزرگ

۱۴ ۱۳ ۱۱ ۱۰ ۷ ۶ ۵ ۴

ج	أ	ر	أ	ر	غ	ر	أ	ر	غ	ر	أ
د	ع	س	س	ف	ق	ت	ك	خ	ر	د	د
ط	ب	ا	ل	ع	ل	م	ف	ر	ی	ض	ة
ل	ف	ا	ل	ت	ت	ت	ی	ا	ت	ص	
				ا	ع	ة	ص	ح			
						ب	ن	ة			

رمز: ←

رمز: **طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.**

رسول الله ﷺ

قرائت درس



جزوه های بیشتر (کلیک کنید) :

گام به گام رایگان هفتم | | نمونه سوالات هفتم | | جزوه های هفتم



جهت دانلود جدید ترین مطالب بر روی پایه خود روی لینک های زیر کلیک کنید.

## ابتدایی

اول ✓ دوم ✓ سوم ✓ چهارم ✓ پنجم ✓ ششم ✓

## متوسطه اول

هفتم ✓ هشتم ✓ نهم ✓

## متوسطه دوم

دهم ✓ یازدهم ✓ دوازدهم ✓